

محسوب نمی‌شدند. همچنین حدس این مسئله نمی‌تواند چندان دشوار باشد که سابقه مطالعاتی ایشان همچون عامه مردم بیشتر بر ادبیات کلاسیک فارسی متمرکز بود و حاصل کارشان معمولاً در قالب های سنتی تجلی می‌یافت. با همین ملاحظه، شعر دفاع مقدس نیز حداقل در سال های اولیه پیدایش خود در گفتمانی سنت طلب و سنتی سر اتولید شد. همراهی این گفتمان با گفتمان کلاسیک ناشی از ماهیت بنیادگرای انقلاب اسلامی که پیش تر به آن اشاره شد، تولید انبوه شعر در قالب های کهن را باعث گردید. این وضعیت به عنوان میراثی ناخواسته به شاعران نسل های بعد رسیده و تنها عده معدودی از این وارثان از زیر بار آن شانه خالی کردند.

سه

شعر انقلاب و شعر دفاع مقدس حداقل تا یک دهه، تاثیر گذاری بر مخاطب عام را به عنوان هدفی غیر قابل انکار پیش رو داشت. شعری که گاه به شعار می‌گرایید و ابایی از گرفتن رنگ و بویی روزمره و حتی ژورنالیستی نداشت. شعری چنان که ذکر شد، آرمان گر با و لع بیانی که از شگردها و تکنیک های نو پیچیده شعری به نفع گسترش طیف مخاطبان اش آگاهانه صرف نظر می‌کرد.

هدف گیری این طیف از مخاطبان، توجه به قالب های سنتی شعر فارسی را به خصوص در گفتمان های کلاسیک حاکم بر سال های ابتدایی پیروزی انقلاب، بیشتر توجیه می‌کرد. مخاطب بر خوردی حرفه ای با ادبیات نداشت و نمی‌توانست بیش از بر خوردی کارکردگر با شعر و اساساً هنر داشته باشد و شاعران انقلاب و دفاع مقدس این را به خوبی دریافته بودند.

چهار

شعر «نیم» و شعر پس از او، پاسخ های طبیعی ادبیات به نیاز های اجتماعی و سیاسی و تاریخی هر دوره از دوره های حیات خود بود. شعر سیاسی حاصل از اصلاحات به اصطلاح دموکراتیک دهه بیست، شعر سیاسی - حزبی دهه سی، «شعر شکست» در دهه چهل و پنجاه که حاصل یأس شاعران انقلابی و ناامید پس از کودتای بیست و هشت مرداد بود و بالاخره شعر ستیزه جو، چریکی و چپ گرای دهه پنجاه در سال های منتهی به انقلاب، همگی پاسخ های بزرگ و روشن سوالات پیچیده دوران نوزایی سیاسی و اجتماعی دهه های خود بودند.

شکست بزرگ سیاسی مبارزان ضد رژیم در سال ۱۳۳۲ سال ها شعر ایران را تحت تاثیر خود داشت. «شعر شکست» در عین این که زمینه را برای شعری خالی از تنش های سیاسی و اجتماعی آماده کرد شرایط را برای تأمل در باره خود شعر و آفرینش تئوری های ادبی نیز مهیا نمود. موج هاپشت موج و جریان های شعری پشت سر هم ایجاد شد که شعر

حجم، ناب، موج نو، شعر پلاستیک و... تجسم عینی این امواج و جریان ها بودند. شعر هایی که غالباً موضوعشان در برابر حوادث سیاسی و اجتماعی، سکوت بود. بنابراین با وقوع انقلابی به وسعت انقلاب اسلامی این جریان های ادبی به سکوتی مرگ بار دچار شدند زیرا این جریان ها به طور عمده متکی بر تئوری های شعری، ایجاز فراتر از حد معمول و معقول و بی اعتنائی نسبت به ارجاعات بیرونی، نه به دلیل ارجاع به جهان آفریده شده در متن، بلکه به دلیل غرق شدن در فرم بود. به عبارت دیگر جهان این آثار در فرم شان خلاصه می‌شد.

این سکوت که تا زمان شروع جنگ تحمیلی ادامه یافت میدان شعری را از دست نوسر ایان ساکت گرفت و به دست کلاسیک سر ایان فعالی سپرد که مسئولیت های اجتماعی و سیاسی و تاریخی خود را حتی بیش از مسئولیت ادبی خویش در نظر داشتند. تداوم سکوت این گروه از شاعران که اساساً نمی‌توانستند یانمی خواستند در جریان دفاع مقدس در کنار مردم خویش بایستند و موضعی غیر فعال اتخاذ نموده بودند و سپس دغدغه های فرمالیستی بیشتر نوسر ایان و بی توجهی غالب آنان به سفارش های شدید و فراگیر اجتماعی و سیاسی (که بی شک ملاحظات سیاسی هم به این بی اعتنائی دامن می‌زد) در نهایت موجب شد بسامد آفرینش شعر با موضوعات مرتبط با انقلاب و دفاع مقدس در قالب کلاسیک به مراتب بیش از قالب های نو باشد.

پنج

شعر کلاسیک فارسی فاقد جغرافیای زمانی و مکانی مشخص و معینی است. این شعر هر زمانی و هر مکانی است چرا که بر خاسته از دیدی کلی، یکپارچه و قطعی به جهان است. این کلیت، یکپارچگی و قطعیت آرامش بخش مرهون وجود خدا و اسطوره هاست. دو گانه هایی چون خوب و بد، خیر و شر، پاک و ناپاک و... با وضوح شیرین خود نتیجه این جهان است. تمام عناصر این جهان قابل طبقه بندی و ارزش گذاری در قالب این دو گانه هاند. قالب بندی مبتنی بر این دوگانگی، آن زیبایی شناسی خاص متکی بر تقارن و تقابل را پی ریزی نموده است. تقارن و توازن که موسیقی مشهور شعر کلاسیک مرهون آن است.

شعر انقلاب و دفاع مقدس در مقطع وقوع انقلاب و در سال های آغازین جنگ و در ادامه، طی سال های دفاع و مقاومت برآمده از همین نوع نگاه به جهان است. شعری در باره نبرد آزادی و ابایی در مکانی هر جایی و زمانی هر گاهی. جنگی بین شر مطلق و خیر مطلق، این سیاهی محض و سپیدی محض، بین روشنی تمام و ظلمت تمام. لاجرم این جنگ، یک جنگ نوعی است و جنگاوران آن نیز همین طور. به این ترتیب ایده آل ها جای واقعیتهای هارامی گیرند

و لحظات ناب انسانی فرصت بروز نمی‌یابند یا کمتر زمانی برای ظهور پیدایمی کنند. حاصل کار شعری است با تمام مشخصاتی که برای شعر کلاسیک ذکر شد. و چه قالب هایی برای بیان این مفاهیم مناسب تر از قالب های سنتی؟

البته ضرورت های غیر ادبی اعم از ملاحظات سیاسی و اجتماعی و ایدئولوژیک در گرما گرم چنین رویدادهای عظیم و فراگیری بدون شک در شکل بندی خاص نگاه شاعر انقلاب و دفاع مقدس به جهان مؤثر بوده است. ضرورت هایی که نمی‌شود از آن ها صرف نظر کرد. بدین سان قالب های کلاسیک با بر خورداری از زیبایی شناسی خاص متکی بر تقارن و توازن، به درستی محملی مناسب تر از قالب های نو برای بیان احساسات و عواطف و هیجانات شاعرانه شاعر انقلاب و دفاع مقدس تشخیص داده شد و مورد استفاده قرار گرفت.

تبصره یک

رویکرد مجدد به قالب های کلاسیک، اگر چه باعث گردید تا روند پیشروی قابل توجه شعر نو به عنوان مناسب ترین محمل بروز جهان معاصر در شعر کند شود، ولی از طرفی به کشف ظرفیت های نامکشف قالب های کهن شعر فارسی منجر گردید و از طرف دیگر به آشتی مجدد مردم با شعر فارسی کمک نمود و احتمالاً از گسست کامل مردم از شعر فارسی جلوگیری کرد و حداقل آن را تا مدت ها به تعویق انداخت. احیای این قالب ها زمینه لازم برای نوآوری در آنها را فراهم کرد و از طرف دیگر نشان داد که هنوز هم ظرفیت های نامکشف زیادی در قالب های کلاسیک وجود دارد. همین کشف های تازه باعث می‌شود که به راحتی بتوان مقایسه رویکرد به قالب های کلاسیک در جمهوری شعری ایران را با رویکرد ارتجاعی دوره «بازگشت» از ریشه بی اساس دانست.

«ای کبود شب وادی یله در خون بی تو
خفته در آغل گرگان گله در خون بی تو»

«عزیز نوسفر مایه ل که ماچه کسیم
که بی تو با تو بیاییم، یا که در تورسیم»

علی معلم
تبصره دو

شعر نو نیمایی در عرصه شعر نو به عنوان حلقه واسط بین شعر کلاسیک و سپید در تعویق گسست گفته شده، تاثیر زیادی داشت. مردم شعر نیمایی را به واسطه موسیقی عروضی آن هنوز بالذت می‌خواندند و گوش می‌کردند. حتی فراز هایی از اشعار نو مانند ضرب المثل بر دهان مردم جاری می‌شد. «آی آدم ها» و «تو را من چشم در راهم...» فراز هایی از دو شعر معروف